

«پایتخت» با بهره‌گیری از عناصر خانوادگی، ارزش‌های سنتی و موقعیت‌های روزمره، همذات‌پنداری عمیقی میان مخاطبان ایجاد کرده است. تغییرات در شخصیت‌هایی همچون نقی، بازتابی از تحولات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی کشور هستند. با حفظ ارزش‌های اصیل و تقویت رویکردهای نوین فرهنگی، این مجموعه می‌تواند به‌عنوان ابرزاری مؤثر در نشر فرهنگ و تداوم نظام اخلاقی همچنان مورد استقبال قرار گیرد و این دستاوردی ارزشمند برای آینده ایران است. در پانزدهمین جلسه از سلسله نشست‌های «مدرسه نقد» با حضور بهزاد زهرایی، منتقد و مدرس سینما و محمدامین احمدی، زهر عباسی و شراره قبادی به بررسی سریال پایتخت و نقاط قوت و ضعف آن پرداخته شد.

■ ■ ■

زهرایی: ما در این نشست به یک موضوع مهم روز می‌پردازیم و آن، سریال «پایتخت» است. این روزها پایتخت موافقان و مخالفان جدی پیدا کرده و به موضوعی جنجالی در فضای مجازی تبدیل شده است. ما تصمیم گرفتیم در این جلسه به‌صورت بی‌طرفانه و با دقت، این اثر را موشکافی و نقاط ضعف و قوت آن را بررسی کنیم.

مقدمه‌ای که می‌توانم ارائه دهم، این است که نمی‌توان انکار کرد سریال پایتخت یک پدیده بی‌نظیر در فرهنگ و رسانه کشورمان است؛ اثری که برای اولین بار توانسته چنین جایگاهی را در بین تماشاگران به‌دست آورد. این مجموعه، با رسیدن به هفت فصل، نشان‌دهنده محبوبیت و تأثیرگذاری فراوان آن است؛ در حالی که نمونه‌هایی مانند سریال «ستایش» تنها به سه فصل محدود شده‌اند. پایتخت دو ویژگی مهم دارد:

اولین ویژگی این است که هر بار در عید نوروز پخش می‌شود که زمان، اوج جذب مخاطب تلویزیون‌ها و ویژگی مهم‌تر این که وقتی خبر ساخت فصل جدید آن منتشر می‌شود، مردم مشتاقانه منتظر آن می‌مانند. این بسیار حائز اهمیت است که چنین پدیده‌ای در کشور ما به‌وجود آمده و آن هم توسط صداوسیما تولید شده است. به نظر من، داشتن یک محصول فرهنگی مانند این سریال که تا این حد مورد استقبال مردم قرار گیرد، یک برگ برنده است، اگر به‌خوبی از آن استفاده کنیم.

از این‌رو، به‌عبارتی وظیفه صداوسیما در حفظ این سرمایه و دستاوردی که برای خود و مردم ایجاد کرده، سنگین‌تر می‌شود و همچنین مسئولیت سازندگان، کارگردان، نویسندگان و سایر عوامل تولید نیز افزایش می‌یابد. دیگر این‌که، پایتخت یک سریال یا اثر معمولی نیست، بلکه یک پدیده است، یک جریان فرهنگی که در میان مردم نفوذ کرده. همین‌که این پدیده تا حدی مهم شده که حتی مخالفان نیز انرژی خود را صرف نقد آن می‌کنند، نشان‌دهنده اهمیت آن است. گاهی پیش می‌آید که ما با پدیده‌ای مخالفیم اما آن را بی‌ارزش می‌دانیم و می‌گوییم: «حرف زدن درباره آن هم ارزشی ندارد» اما اینجا، اهمیت پایتخت را می‌توان از واکنش‌های مخالف نیز فهمید.

در ابتدا، درباره دلایل اهمیت پایتخت و این‌که چرا این سریال مهم است، نظرات دوستان را می‌شنویم. آقای احمدی، لطفاً بفرمایید.

#### دلایل اهمیت سریال پایتخت

احمدی: همان‌طور که آقای زهرایی فرمودند، سریال پایتخت یکی از پرمخاطب‌ترین و محبوب‌ترین مجموعه‌های تلویزیونی در ایران است که پخش آن از نوروز ۱۳۹۰ آغاز شد و تاکنون در چندین فصل از شبکه یک منتشر شده است.

یکی از مهم‌ترین عوامل موفقیت این مجموعه، پرداختن به زندگی روزمره یک خانواده معمولی از شمال کشور است. ساده‌زیستی، صمیمیت و روابط خانوادگی صادقانه آنها، همراه با نمایش دغدغه‌ها، مسائل خانوادگی و تعاملات این خانواده با جامعه در کنار طنز جذاب، توانسته این روایت را برای مخاطب به‌صورت جذابی به تصویر بکشد.

پایتخت تأثیرات عمیقی بر فرهنگ عامه گذاشته است. بخشی از این تأثیرات شامل دیالوگ‌های ماندگار است که از زبان برخی شخصیت‌ها بیان می‌شود. همچنین، روابط بین شخصیت‌ها، مانند ارتباط نقی با همسرش در ابتدای داستان یا رابطه‌اش با پدرش، به‌طور کلی در فصل اول، فضایی صمیمی، طنز و با شخصیت‌پردازی

نسبتاً قوی خلق کرده است. این عوامل باعث شده‌اند که این سریال تأثیر قابل توجهی بر فرهنگ عمومی مردم ایران بگذارد.

قبادی: سریال پایتخت یکی از محبوب‌ترین آثار صداوسیمای ایران از ابتدا تاکنون بوده اما باگذشت زمان، بخشی از مخاطبان خود را از دست داده است. این کاهش رضایت به تغییرات در سریال و نحوه روایت آن بازمی‌گردد. در ابتدا سریال پایتخت به‌دلیل نمایش یک خانواده ساده و مردمی که از دل جامعه برآمده بود، مورد استقبال گسترده‌ای قرار گرفت. مردم به راحتی با این خانواده همذات‌پنداری کرده و با داستان‌های‌شان ارتباط برقرار می‌کردند اما به‌مرور زمان، به‌دلایل مختلف ازجمله فوت آقای الوند، تأثیرات منفی بر سریال بیشتر شد. این مسأله موجب تغییر در روحیه و ماهیت سریال شد و فاصله زیادی بین سریال و هویت اولیه آن به‌وجود آمد.

در فصل‌های نخست، خانواده‌ای پر از نشاط و امید به تصویر کشیده می‌شد که با وجود مشکلات اقتصادی فراوان، امیدشان را از دست نمی‌دادند و همچنان در کنار یکدیگر بودند. اعضای این خانواده به شهر محل تولدشان و نمادهای اسلامی عشق می‌ورزیدند و دین و اخلاقیات در رفتارهای‌شان نمود پیدا می‌کرد اما باگذشت زمان، نمادهای اسلامی و اخلاقی در سریال کاهش یافت و گویی برخی ارزش‌ها به حاشیه رفتند.

نقی که در گذشته مردی دوست‌داشتنی و معمولی بود و عشق و احترام به خانواده‌اش در رفتارهایش مشهود بود، اکنون به شخصیتی عصبی و کنترل‌گر تبدیل شده است. حتی حسادت او به فرزند کوچک خود نیز قابل مشاهده است و این درحالی است که در گذشته نقی به‌عنوان مردی شجاع و فداکار برای خانواده‌اش شناخته می‌شد.

رابطه نقی و هما نیز دستخوش تغییرات قابل توجهی شده؛ هما که همیشه در کنار نقی بود و نماد زن ایرانی ایتاگر و حامی

خانواده بود، اکنون گویی حوصله نقی را ندارد و رفتارهای او را به‌سختی تحمل می‌کند. این تغییرات در روابط میان دیگر شخصیت‌ها مانند نقی و ارسطو نیز دیده می‌شود. بگویم‌گویی طنزآمیز گذشته اکنون به بی‌احترامی و تخریب شخصیت‌ها تبدیل شده است.

به‌واقع محبوبیت پایتخت موجب افزایش انتظارات از گروه سازنده شده، زیرا تأثیر فرهنگی سریال بسیار بیشتر از دیگر آثار

تلویزیونی و نمایش‌های خانگی است.

درمجموع، انتقادها و ایراداتی که به سرال وارد می‌شود، نه‌برای تخریب اثر، بلکه برای ارتقای کیفیت آن و بازگشت به هویت اولیه سریال است. این سریال باید از طنزهای سطحی و غیرمرتبط فاصله بگیرد و ارزش‌های خانوادگی و ایرانی - اسلامی را بیش از پیش به‌تصویر بکشد؛ زیرا مخاطبان همچنان به آن علاقه‌مندند و با تمام وجود از فصل‌های آینده استقبال خواهند کرد.

عباسی: سریال پایتخت به‌دلیل نمایش یک خانواده

معمولی که بسیاری از ما می‌توانیم با آن ارتباط برقرار کنیم، اهمیت دارد. درواقع هر یک از ما در خانواده خود افرادی شبیه به شخصیت‌های پایتخت داریم؛ پدری با ویژگی‌های نقی، مادری مانند هما و سایر اقوام که هرکدام به‌نوعی بازتابی از جامعه هستند. نکته جالب اینجاست که آقایان مقدم و تاننده توانسته‌اند این خانواده را به‌گونه‌ای خلق کنند که دقیقاً نمایانگر جامعه باشد و به همین دلیل مورد توجه بسیاری از خانواده‌ها قرار گرفته است.

پایتخت نباید فقط نظر یک گروه خاص از جامعه را منعکس کند، بلکه باید تصویری کلی از جامعه ارائه دهد.

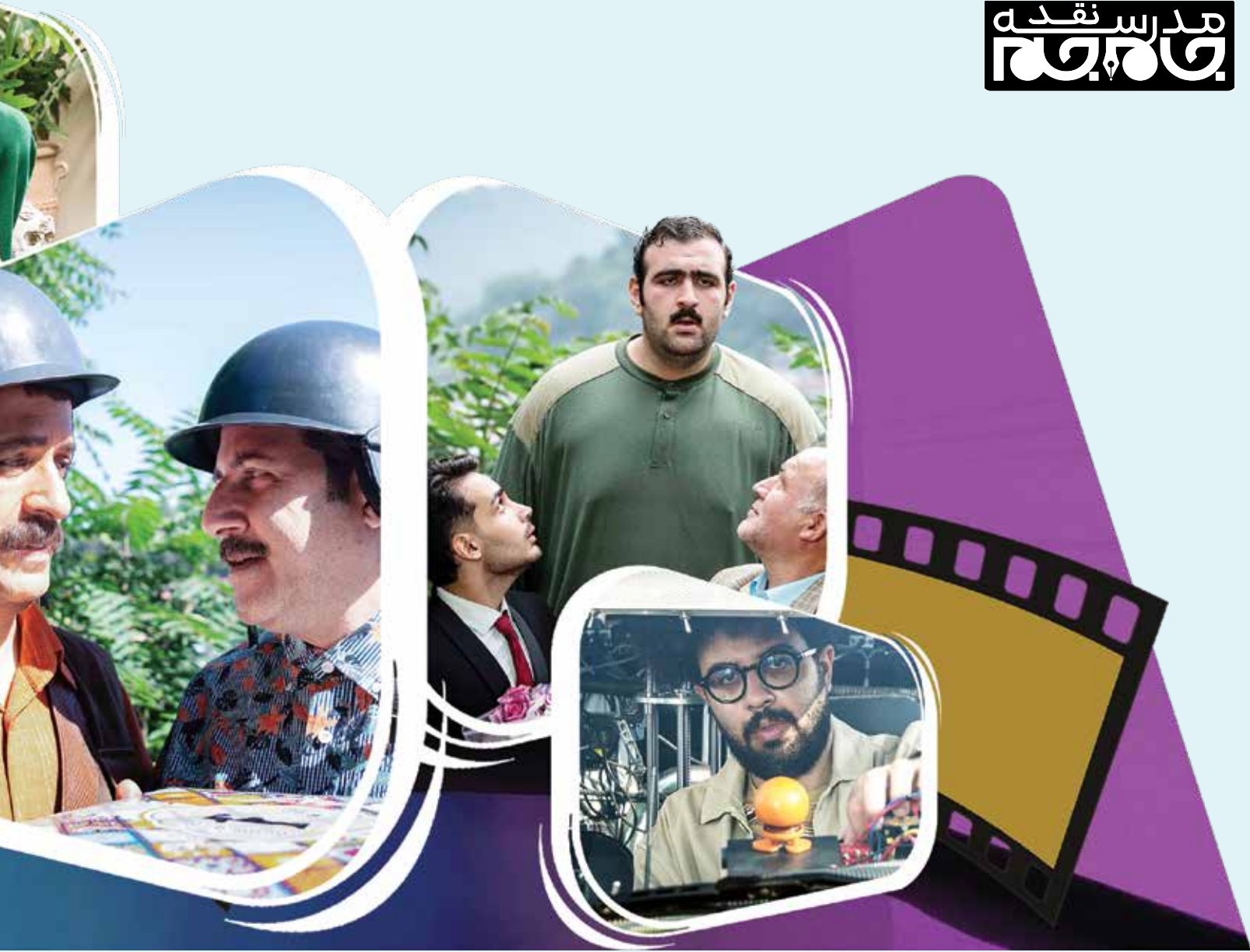
جامعه‌مان تغییر کرده و پایتخت نیز به‌عنوان آینه‌ای از جامعه، ناگزیر به همراه آن تغییر کرده است. این تغییرات ضروری است، چراکه سریال باید پاسخگوی نیازهای مخاطبانش باشد.

نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم نقی دقیقاً مانند فصل اول باشد. نقی و هما در طول هفت فصل تغییر کرده‌اند. تغییر ذات انسان است؛ انسانی که تغییر نکند، انسان نیست.

وقتی جامعه نتواند برخی المان‌ها را بی‌پذیرد، سریال ناچار است برای حفظ جذابیت‌های رسانه‌ای خود، تعدیل‌هایی انجام دهد. این واقعیتی است که باید بپذیریم، چراکه اگر سریالی بخواهد صرفاً بر حفظ برخی المان‌ها پافشاری کند، ممکن است مخاطبانش را از دست بدهد و دیگر تریبونی برای بیان پیام‌هایش نداشته باشد. به نظر من هوشمندانه است که برخی مسائل به‌صورت مستقیم مطرح نشوند اما پیام درست به مخاطب منتقل شود. این تریبون را باید حفظ کرد. از نظر من، چه این تصمیم از سوی صداوسیما بوده باشد و چه از سوی سازندگان مجموعه، بسیار هوشمندانه اجرا شده اما در مورد تغییر شخصیت‌ها مانند نقی، هما و بهتاش، باید بگویم که به‌روز تنها شخصیتی است که رشد چشمگیری داشته است. هرچند سعی شده با توضیحاتی مانند «این بچه متفاوت است» این تغییرات توجیه شود اما هنوز با فضای کلی پایتخت همخوانی کامل ندارد.

بالین حال، نمی‌توانیم بگویم سریالی که موفق بوده

## مدرس‌نقده جام جمه



# همه ما معم

## کارشناسان «مدرسه نقد» معتقدند سریال «پایتخت

است که می‌خواسته قهرمان شود اما نشده. او اکنون یک‌فرد معمولی و سرخورده است که تلاش می‌کند همچنان اصالت خود را حفظ کند. او از بسیاری جهات عقب‌مانده. این ویژگی‌ها او را به شخصیتی معمولی‌تر و باورپذیرتر تبدیل می‌کنند.

باید واقعیت جامعه را نیز در نظر بگیریم. آیا بنابر هر دلیلی همه ما حال خوبی داریم؟ خیر، امروزه به‌دلایل بسیار متفاوتی که همه می‌دانیم حال ما خوب نیست. این واقعیت در رفتارهای شخصیت‌های سریال نیز نمایان شده. گاه رفتارهایی می‌کنند که ممکن است انتظار نداشته باشیم اما منطقی به‌نظر می‌رسد. این سریال آینه‌ای از جامعه است و اگر بخواهد کاملاً پاک و بی‌عیب جلو برود، شاید از واقعیت فاصله بگیرد و تبدیل به کاراکترهای غیرقابل‌باور یا ستوریزه فیلم‌های دفاع مقدس در زمان جنگ شود.

از دیگر نقاط قوت سریال پایتخت، اثرگذاری فرهنگی آن است. وقتی چنین سریالی ساخته می‌شود، می‌توان انتظار داشت که درمخاطب تأثیر فرهنگی داشته باشد. این ویژگی باید در نگارش فیلمنامه و تولید سریال مورد توجه قرار گیرد. سریال تاکنون به موضوعات روز جامعه بیان طنز آنها بی‌توجه نبوده. برای مثال، در قسمت‌هایی بحث کرونا و در قسمت‌هایی دیگر داعش به تصویر کشیده شده است. حتی سفرهای مردم به ترکیه یا سواحل خلیج فارس و شرق آسیا نیز در سریال گنجانده شده که همین المان‌ها موقعیت‌های طنز خوبی ایجاد کرده‌اند.

با این حال یکی از انتقادات وارد بر سریال، فاصله گرفتن آن از اصل جامعه است. دوست‌داشتنم سریال حتی به حوادث اخیر کشور اشاره کند و از آنها تأثیر بگیرد. اگر سریال بتواند به

موضوعات روز جامعه بپردازد و مسئولان فرهنگی نیز انعطاف بیشتری داشته باشند، این اثر مردمی‌تر و اثرگذارتر می‌شود. مردم می‌بینند این سریال کاملاً معمولی است و از جنس خودشان. پس آن را دوست دارند و تعقیب می‌کنند و ما در همین جا به یک نقطه قوت بسیار قابل توجه می‌رسیم. می‌توان اشاراتی به مسائل سیاسی داشت و بیشتر از آنها می‌شود به مسائل اقتصادی و مشکلات روز اجتماعی پرداخت. مثلاً گرانی دلار و تأثیرات آن بر زندگی مردم را به تصویر کشید. این نوع پرداختن به موضوعات روز باعث می‌شود مردم آینه زندگی خود را در سریال ببینند

و موقعیت‌های طنز آن نیز جذاب‌تر شود و طبیعتاً مخاطبان بیشتری جذب خواهد کرد. البته این کار نباید شعاری و در مرکزیت داستان قرار گیرد، بلکه باید به‌شکلی ظریف و طبیعی در اثر جاداشته باشد تا مردم سریال را از جنس خود بدانند و بیشتر به آن نزدیک شوند. این تأثیرات در درازمدت تثبیت خواهند شد. این پرداخت می‌تواند همزمان به‌صورت طنز و درام رخ دهد. برای مثال می‌توان به مسائل اجتماعی و اقتصادی مانند افزایش جمعیت، پییری جمعیت، کمبود نیروی کار، پارتی‌بازی، دلالتی، یا حتی اختلاس پرداخت. این موارد، هم کارکرد فرهنگی دارند و هم می‌توانند موقعیت‌های طنز مؤثر و جذابی ایجاد کنند.

